

آثار منفی تورم بر زندگی جامعه‌ی کارگری ایران

مریم انصاری

دهم خرداد هشتاد و هفت



تورم فزاینده باعث شده که کارگران ایران با حقوق‌های ثابت درتأمين زندگی خود با مشکلات بیشتری مواجه شوند.

بنا بر گزارش بانک مرکزی ایران شاخص تورم در اردیبهشت ماه امسال از مرز ۳۰ درصد هم گذشته است. این تورم افسارگسیخته وضع معیشتی کارگران را به شکل فاجعه باری درآورده است. عدم پرداخت حقوق‌ها و اخراج‌ها هم مزید بر علت شده‌اند.

محمود احمدی نژاد روز جمعه، ۳۰ مه در اجتماع فرماندهان بسیج سراسر کشور گفت که علی‌رغم همه فشارها، تهدیدها و تحریم‌ها، تمام شاخص‌های اقتصادی کشور جز تورم رو به بهبود داشته. توری می‌که به گفته منتقدان دولت دارد به نقطه ای بحرانی می‌رسد و روزهای سختی در انتظار اقتصاد ایران است. این روزهای سخت برای بسیاری در ایران مدتهاست که آغاز شده.

خبرها و گزارشهایی که از گوشه و کنار ایران می‌رسند چیزی خلاف نظر خوشبینانه آقای احمدی نژاد را حکایت می‌کنند. بنا بر گزارش بانک مرکزی شاخص تورم در اردیبهشت ماه امسال از مرز ۳۰ درصد هم گذشته است. قیمت مایحتاج روزمره مانند حبوبات، لبنیات، روغن، برنج و غیره بین هشت تا هشتاد درصد افزایش داشته است. برخی گروه‌های منتقد دولت معتقدند اوضاع دارد به بحرانی با ابعاد غیرقابل پیش‌بینی می‌رسد. جبهه مشارکت در بیانیه ای که انتشار داده نوشته است که در صورت ادامه این روند باید منتظر حوادث غیرقابل پیش‌بینی و خسارت‌بار بود. آنچه کارشناسان اقتصادی و گروه‌های منتقد دولت به آن اشاره می‌کنند، شاید متعلق به آینده ای دور نیست و همین امروز اینجا و آنجا خود را نشان می‌دهد.

در این گرانی و تورم کارگران کارخانه نیشکر هفت تپه چهار ماه است حقوق‌شان را نگرفته‌اند. آنها می‌گویند که به اعتراضات‌شان هم پاسخی جز ضرب و شتم، دستگیری و جز ارباب داده نشده است. جعفر عظیم زاده عضو اتحادیه کارگران اخراجی می‌گوید تورم افسارگسیخته ای بویژه از ابتدای سال بر جامعه حاکم شده وضع معیشتی کارگران را به شکل فاجعه باری درآورده است.

بالاترین سطح دستمزد کارگران در صنایع بزرگ ۵۰۰ ۴۰۰ هزار تومان و یا نهایتاً ۶۰۰ هزار تومان است. متوسط دستمزد بین ۳۰۰ الی ۴۰۰ هزار تومان است و حداقل دستمزدی که هم به تصویب رسیده ۲۱۹ هزار تومان است. و جعفر عظیم زاده اضافه می‌کند:

"بخش عمده‌ی کارگران ایران، من به جرات می‌توانم بگویم، ۷۰ درصد کارگران ایران با ۲۲۰ ۲۱۹ هزار تومان دستمزد امروز دارند زندگی می‌کنند. در بخش خدمات، در بخش خدمات و در بخش ساختمان هیچ بیمه‌ای وجود ندارد

و به شدت دستمزدها پایین است. در بسیاری از کارخانه‌های متوسط با ۳۰۰ ۲۰۰ کارگر و یا ۱۰۰ کارگر دستمزدها همین ۲۲۰ هزار تومان است یا نهایت با ۳۰۴۰ هزار تومان حق اولاد و مسکن و اینجور چیزها. " حق مسکن و خواربار ده هزار و هشتاد تومان است. از این رقم حق خواربار ۸۰ تومان است که "پول یک آدامس هم نیست". حق اولاد ۱۸ هزار و ۵۰۰ تومان است و اگر این دو رقم را هم به حداقل دستمزد اضافه کنیم، نهایتاً می‌شود ۲۵۰ یا ۲۶۰ هزار تومان. قیمت یک کیلو برنج سه هزار تا چهار هزار تومان است. و قیمت مسکن در جنوب شهر تهران زیر ۴۰۰ هزار تومان نیست.

در سایر مراکز استانها هم وضعیت به همین منوال است. جعفر عظیم زاده می‌گوید:

"شرایط معیشتی کارگران در این سی سال گذشته به شدت افت کرده و امسال به نظر من به یک وضعیت کاملاً فاجعه‌بار رسیده است. بویژه کارگرانی که اخراج می‌شوند و کارگرهایی که بیکار هستند، شرایط بسیار فاجعه‌بارتری دارند. الان در این جامعه فروش کلیه به صورت زدن آگهی در در و دیوار دیگر مخصوصاً در تهران روی تیر برق و دیوار آگهی فروش کلیه را زده‌اند. این نتیجه‌ی این وضعیتی‌ست که امروز در جامعه به طبقه‌ی کارگر تحمیل شده و شرایط اسفباری که امروز کارگران با آن مواجه هستند، بویژه بخشی که اخراج و بیکار می‌شود و هیچ تاملینی ندارد." او درباره بیمه بیکاری کارگران می‌گوید که سطح بیمه بیکاری بقدری پایین است که به هیچ کجای کارگران نمی‌رسد، به ازای هر پنج سال، یک سال بیمه بیکاری به کارگر تعلق می‌گیرد که این تازه شامل حال کارگران قرارداد موقت نمی‌شود. از طرف دیگر هیچ امیدی به این که به کارگرهای اخراجی و بیکاری کاری بدهند، وجود ندارد. آیا در این شرایط کارگران بدون تشکل های خود کاری از پیش می‌برند؟ و آیا این تشکل ها شانسی برای حیات و فعالیت پیدا می‌کنند؟

ظرف سی سال گذشته تشکل های مستقل کارگری امکانی برای پا گرفتن نداشتند. به گفته جعفر عظیم زاده ظرف سه چهار سال گذشته کارگران در نتیجه فشار خیلی زیادی که به لحاظ معیشتی و اقتصادی برآنان آمده، به این نتیجه رسیدند که تشکل‌های خود را برپا کنند. با این حال در این سه چهارسال گذشته نیز ایجاد این تشکل‌ها با سرکوب و تهدید و بازداشت مواجه شده است. تشکل‌هایی که مانند بسیاری کشورهای دیگر بتوانند مطالبات کارگران را پیگیری کنند، امروز اساساً در ایران وجود ندارند:

"الان همین اتحادیه هم که ما داریم، به شدت تحت فشار است. وقتی سندیکای شرکت واحد تاسیس شد، حمله کردند و هزار کارگر را بازداشت کردند و الان رییس هیات مدیره‌ی آن آقای منصور اسانلو در زندان است. با اتحادیه‌ی ما هم دقیقاً همین برخورد را کردند. پارسال سیزده نفر را گرفتند و همین الان تعدادی از اتحادیه در زندان هستند. مرتب دوستان ما را تهدید می‌کنند، مرتب فشار می‌آورند."

نمونه دیگر کارگران نیشکر هفت تپه هستند که ۲۵۰۰ امضا برای ایجاد تشکل جمع کرده اند. ولی نه فقط این اجازه را به آنها دادند بلکه با نیروی نظامی به آنها پاسخ دادند.

" در این جامعه که کارگری که میلیاردها ثروت در این جامعه تولید کرده است در طی دهها سال گذشته، امروز دستمزدش را نمی‌دهند، چهارماه دستمزدش را نمی‌دهند و وقتی این کارگر می‌گوید من گرسنه‌ام، دستور می‌دهند با باطوم بزنند تو سرش. این شرایطی‌ست که به لحاظ طرح مطالبات کارگری از طرف کارگران و ایجاد تشکل آن در

ایران وجود دارد."

وضع ایمنی کارگران هم به گفته جعفر عظیم زاده آیینیه ای است از وضع معیشتی آنها. دوشنبه این هفته ۳۰ کارگر در آتش‌سوزی کارخانه "کیمیگران امروز" و "کیمیا گستر" کشته و ۵۰ نفر شدت زخمی شدند. به گفته رییس دانشگاه علوم پزشکی اراک شدت سوختگی دوسوم مجروحان بالای ۷۰ و تا ۱۰۰ درصد است. مسئولان علت را بی‌احتیاطی یکی از کارگران هنگام جوشکاری اعلام کرده‌اند. ولی جعفر عظیم زاده می‌گوید:

"دیروز سه نفر بعنوان هیاتی از طرف اتحادیه ما رفته بودند به آنجا و گزارشی که آوردند واقعا تکان‌دهنده است. این شهر صنعتی دستگاه حریق و آتش‌نشانی ندارد. یک دانه هم ندارد. و یکی از عوامل اصلی آتش‌سوزی، فرسودگی لوله‌ها بوده طبق گزارشی که دوستان ما آوردند و ما بزودی این را منتشر خواهیم کرد. یعنی کارفرماها هیچ الزام و اجباری بالای سرشان نیست که هزینه‌ای برای ایمنی کار بکنند یا نکنند که از دورن آن همین فاجعه‌ای که ۳۰ کارگر در این آتش‌سوزی جزغاله شدند بیرون می‌آید و طبق آمارهایی که اخیرا دارد چپ و راست منتشر می‌شود، بویژه در عرصه‌ی ساختمان‌سازی، روزی نیست که سه چهارتا کارگر کشته نشوند."

مریم انصاری

دویچه وله

۲۰۰۸-۰۵-۳۰